کافه کتاب

خوشی‌های کوچک

نویسنده: سیندی اشپیگل
مترجم: محمد حیدری قالهری
انتشارات بله

پیام آشنا: سهراب سپهری چه خوب می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.» کتاب خوشی‌های کوچک به قلم سیندی اشپیگل نیز به همین موضوع اشاره دارد. وی در این کتاب به میکروجوی‌ها یا خوشی‌های کوچکی اشاره می‌کند که نوعی تمرین برای درک و قدردانی از شادی در هر لحظه هستند. این شادی‌ها در دسترس هستند و به وسیله آن‌ها می‌توانیم به زندگی خود معنا ببخشیم. پیام اصلی کتاب این است: پیدا کردن امید وقتی زندگی خوب پیش نمی‌رود!

درباره کتاب خوشی‌های کوچک

اغلب ما یافقدری در سیاهچال زندگی روزمره فرو رفته‌ایم که قادر به دیدن چیزهای کوچک و زیبا نیستیم. وقتی زندگی ما خوب پیش نمی‌رود، قرارهای کاری افتضاح است، جیب‌هایمان خالی است و در روابط خود به مشکل برخورده‌ایم، چگونه می‌توانیم دوام بیاوریم و ادامه دهیم؟ سیندی اشپیگل (Cyndie Spiegel)، خلق لذت‌های ساده و کوچک را به‌عنوان تنها راه ممکن برای تاب‌آوری در شرایط سخت معرفی می‌کند. این لذت‌های ساده در کتاب خوشی‌های کوچک (Microjoys: Finding Hope)، تحت عنوان میکروجوی‌ها یا خُردشادی‌ها معرفی می‌شوند.

برخلاف چیزی که ممکن است تصور کنید میکروجوی‌ها کوچک نیستند بلکه این مفهوم به معنای قدردانی از زندگی وحشی، ناقص و باارزش است و حکمتی عمیق و زیبا را درمورد آگاهی از هر لحظه به ما آموزش می‌دهد. سیندی اشپیگل در کتاب خوشی‌های کوچک توضیح می‌دهد که با افزایش آگاهی و مشاهده‌ی دقیق می‌توانیم میکروجوی‌ها را تشخیص دهیم و به واسطه آن‌ها چراغی در دل تاریکی بیفروزیم.

سیندی اشپیگل خوانندگان خود را به غرق شدن در جزئیات دعوت می‌کند. هر سنگریزه کوچک وی شن‌های ساحلی می‌تواند بهانه‌ای برای شادی باشد. با مطالعه کتاب خوشی‌های کوچک، یاد می‌گیریم که از هر لحظه ساده و معمولی، یک فرصت زیبا خلق کنیم برای شادمانی و لذت بردن! وی برای درک بهتر خردشادی‌ها مثال‌های جذابی ارائه می‌دهد. برای مثال پختن یک کیک برای عصرانه، می‌تواند بهانه‌ای باشد برای لذت بردن از لحظه. به شرطی که به صورت زنده ببینیم، لمس کنیم، بو بکشیم و به تمام صداها گوش بسپاریم. این همان جادوی اساسی حضور داشتن است.

تمارینی که در کتاب خوشی‌های کوچک ارائه شده، خوانندگان را برای حضور آگاهانه و جادویی در لحظه آماده می‌کند. پذیرش هر چیز همان‌گونه که هست و یافتن زیبایی در میان سختی‌ها، بخشی بزرگ از چیزی است که سیندی اشپیگل می‌خواهد به خوانندگان خود بگوید. وی تأکید می‌کند که به جای نگرانی درباره آینده یا غرق شدن در گذشته، بهتر است چون رودی در جریان، لحظه‌ها را دریابیم و در دل آن‌ها جادویی شگفت‌انگیز برای دوام آوردن پیدا کنیم.

سیندی اشپیگل در کتاب خوشی‌های کوچک، خوانندگان خود را به ایجاد عادت‌های مثبت تشویق می‌کند. عادت‌هایی مانند شکرگزاری، نوشتن خاطرات خوب و توجه به چیزهای مثبت، ذهن ما را تقویت کرده و دیدگاه ما را نسبت به زندگی تغییر می‌دهد. می‌توانیم در دفتر خاطرات خود از ریختن چای در یک فنجان قدیمی بنویسیم یا اینکه بعدازظهر چه نوری روی قالی کهنه اتاق افتاده بود. تمام این چیزهای به‌ظاهر کوچک، می‌توانند یک میکروجوی باشند و ما را پس از یک دوره سخت ناتوانی در پذیرش اندوه، به زندگی وصل کنند.

کتاب خوشی‌های کوچک برای چه کسانی مناسب است؟

مطالعه کتاب خوشی‌های کوچک به تمام افرادی پیشنهاد می‌شود که دراین اندوه گرفتار شده‌اند. افرادی که به دنبال یک چراغ در دل تاریکی هستند تا در دست بگیرند و دوام بیاورند.

در بخشی از کتاب خوشی‌های کوچک می‌خوانیم

در شهر نیویورک گم شده بودم. کار هشت ساعاتم را ترک کرده بودم. هنوز تصمیم نگرفته بودم که صنعت مد را کاملاً ترک کنم، اما می‌دانستم باید تغییری ایجاد کنم. در آن دوره‌ای از ندانم‌کاری، با محبوب‌ترین استاد (و بسیار حکیم) ارشدم و دوستم برای مشورت تماس گرفتم. علاوه بر تدریس، او در حال تحقیق بر روی تأثیر جهانی‌شدن بر جوامع بود. وقتی با او تماس گرفتم، از خفه‌شدن در دهلی پاسخ داد. یک ماه بعد، قرار بود برای چند ماه به نپال بروند تا روی مردم کوچ‌نشین آن منطقه تحقیق کنند.

من چند دقیقه‌ای از عجولانه صرف توضیح دادن ناامنی‌هایم کردم. به محض اینکه سخنانم پایان یافت، او به سادگی پیشنهاد کرد: «چرا به هندوستان، من تو را از فرودگاه برمی‌دارم.» دو هفته بعد، خودم را در یک پرواز شانزده‌ساعته یافتم.

هفته‌های پس از آن را صرف کشف زندگی، دعا در معابد، بازدید از تاج‌محل، خرید وسایل تزئینی رنگارنگ در جیپور و خوردن غذاهای خوشمزه و ادویه‌دار کردم.

در دهلی، دوست سابق دوستم، سیما، هر روز ساعت ۶ صبح ما را یک فنجان چای داغ و بخارآلود بیدار می‌کرد. در روزهای پایانی سفرم، از سیما خواستم که حدود ساعت ۵ صبح مرا بیدار کند تا بتوانم یاد بگیرم چگونه این مخلوط جادویی را زنجبیل را آماده کنم. این شروع روتین صبحگاهی جدیدم شد که او در پایین تختی که از آن استفاده می‌کردم، دقیقاً جلوی بخاری می‌نشست و چند دقیقه به زبان هندی با من صحبت می‌کرد که به آرامی مرا بیدار می‌کرد. من نیز به انگلیسی پاسخ می‌دادم. اگرچه هیچ‌کدام از ما کلمات یکدیگر را متوجه نمی‌شدیم، اما حرکات، لبخندها و احساسات یکدیگر را به خوبی درک می‌کردیم. بعداً به من گفتند که ما هر دو یکدیگر را به زبان مادری‌مان «خوابم» خطاب می‌کردیم. قبل از بازگشتم به آمریکا، او مرا چند لحظه در آغوش گرفت.

با تجلیل از پیشکسوتان، تأکید بر تداوم سنت نکوداشت و قدردانی از پیشکسوتان؛

آیین "اردیبهشت شعر البرز" برگزار شد

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز در آیین اردیبهشت شعر البرز گفت: بنا گذاشتیم سنت پسندیده و نیکوی قدردانی از پیشکسوتان و بزرگانی را که حق بزرگی بر گردن جامعه فرهنگ و هنر دارند، همواره ادامه دهیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز، آیین بانکوه اردیبهشت شعر البرز با حضور جمعی از مقامات، پیشکسوتان، شاعران و فرهیختگان استان و کشور در سالن سیروس مبلر اداره کل ارشاد البرز برگزار شد.

در این مراسم ابراهیم شریفی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز ضمن خیرمقدم به حاضران و میهمانان ویژه از جمله دکتر احمدی مشاور عالی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر سید عباس سجادی، بر جایگاه والای سنت نکوداشت چهره‌های ماندگار استان تاکید کرد.

شریفی در بخشی از سخنان خود افزود: آغاز این سنت ارزشمند با قدردانی از استادان فرزانه‌ای چون احمد حسینی (نغمه)، شهاب لرستانی و استاد انصاری همراه شد و وعده داده‌ایم تا زمانی که در خدمت جامعه فرهیخته البرز هستیم، این مسیر را ادامه دهیم؛ چرا که باور داریم قدردانی از پیشکسوتان، راه را برای اعتلای نسل جوان هموار می‌کند و رشد فرهنگ و هنر را تداوم می‌بخشد.

وی در ادامه اهمیت نقش جوانان و انجمن‌های فرهنگی را خاطرنشان کرد و گفت: اساس کار ما بر این است که برنامه‌ها به دست جوانان و فعالان انجمن‌ها اجرا شود و خوشبختانه بهترین دستاوردها زمانی رقم خورده که جوانان در کنار پیشکسوتان قرار گرفتند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز، همچنین از مساعدت و حمایت امیر اشتری معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، ورزشی و اجتماعی شهرداری و سعید آرویی، معاون فرهنگی، هنری و ورزشی این سازمان قدردانی و تشکر کرد و همچنین از مؤسسه برگزارکننده و خانم غفرانی و حمید چشم‌آور، برای همراهی در برگزاری این رویداد تقدیر نمود.

مراسم اردیبهشت شعر البرز با شعرخوانی جمعی از شاعران برجسته، اجرای آواز توسط علی جهاندار و پخش کلیپی از استادان حوزه شعر ادامه یافت و در پایان از این پیشکسوتان، تجلیل به عمل آمد.

«عکس نوشت»؛ نگاهی نو از دریچه دوربین نوجوانان

نمایشگاه «عکس‌نوشت» با حضور آثار عکاسی هنرجویان نوجوان هنرستانی در گالری مامراد افتتاح شد. این مجموعه با ترکیب تصویر و نوشتار، جلوه‌ای نو و احساسی از نگاه نوجوانان به جهان پیرامون را به نمایش می‌گذارد.

به گزارش خبرنگار پیام آشنا، در این نمایشگاه، هر عکس با متنی کوتاه همراه شده است که در آن، هنرجو احساس، انگیزه یا رویت شخصی خود را از آن لحظه ثبت‌شده بیان کرده است. این تلفیق تصویر و نوشتار، به مخاطب امکانی کم‌نظیر برای ورود به جهان درونی نوجوانان می‌دهد؛ نگاهی صادقانه، دقیق و گاه تلخ که از ورای لنز دوربین به زندگی، جامعه و طبیعت می‌نگرد.

بازدید از آثار این نمایشگاه، تجربه‌ای تأمل‌برانگیز و احساسی برای مخاطبان رقم می‌زند؛ تجربه‌ای که در آن، نگاه‌های خالص و بی‌پرده نوجوانان، ذهن و دل تماشاگر را درگیر می‌کند.

نقش مؤثر سیمین بنا، هنرآموز و گردآورنده‌ی این مجموعه، از نکات برجسته نمایشگاه است. وی با درک عمیق از احساسات و استعدادهای نوجوانان، فضای خلاق و امنی را برای بروز تخیل و بیان شخصی آن‌ها فراهم کرده و با هدایت آگاهانه، زمینه‌ی خلق آثاری ارزشمند را مهیا کرده است.

گالری مامراد نیز با هدف حمایت از نسل جوان هنرمندان، میزبانی این نمایشگاه را بر عهده گرفته است. این اقدام، نشانگر اعتماد به توانمندی‌های نوجوانان و تشویق آن‌ها برای حضور در عرصه‌های جدی هنری است.

نمایشگاه «عکس‌نوشت» اثباتی است بر اینکه نگاه نوجوانانه، در عین سادگی، می‌تواند عمیق، صریح و تأثیرگذار باشد.

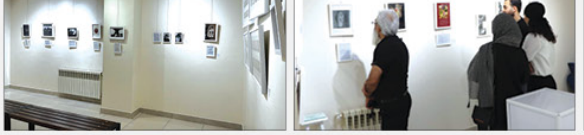

درباره جشن امضای کتاب «سووشون»

در غیاب نویسنده، در حضور کارگردان، بازیگر و غیره

رویا سلیمی – در روزهای پایانی سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پوستری عجیب توجه اهالی رسانه را به خود جلب کرد. مراسم «جشن امضای کتاب سووشون» توسط عوامل سریالی که اقتباسی آزاد از این رمان را انجام داده‌اند متناسبی که عکس و فیلم‌های این جشن به تناوب در فضای مجازی منتشر شد واکنش‌های بسیاری از سوی کاربران و اهالی قلم و رسانه در پی داشت. اگر عکس‌ها و فیلم‌ها را ندیده باشید، شاید باورتان نشود که نرگس آبیار و بهنوش طباطبایی در غرفه انتشارات خوارزمی مشغول امضای کارت پستالی از رمان سووشون بودند. رمانی که سال ۱۳۴۸ نگاشته شده و نویسنده آن در قید حیات نیست. توسط عوامل سریالی که هیچ حقوق مادی و معنوی در قبال رمان ندارند، به بهانه امضای کتاب، کارت پستال یادگاری دادند. بعد از گذشت چند ساعتی از واکنش‌های منفی نسبت به این اقدام، پوستری که عنوان «جشن امضای کتاب سووشون» در آن قید شده بود از صفحه مجازی انتشارات خوارزمی با ذکر توضیحاتی حذف شد.

طراحی شده قبل از ماجرای جشن امضا از سوی مدیریت انتشارات تایید و راهی نمایشگاه کتاب شده بود که به نظر می‌رسد ماجرا با پوستر و کارت پستال هم ختم نشد. جلد جدید برای رمان سووشون با عکس بازیگران سریال نیز پدیده نامتعارف دیگری بود که تحت تأثیر فضای رسانه‌ای سریال نرگس آبیار انجام شد.

احتمالاً انتشارات خوارزمی برای ترویج و فروش بیشتر کتابه، سعی در جلب توجه مخاطب و ایجاد فضایی تازه برای رمانی قدیمی داشته است. اما این جلب توجه مصداق عدم رعایت حقوق معنوی نویسنده آن به عنوان صاحب اصلی آن محسوب می‌شود. اینکه در کنار عرضه کتابه، امضای کارگردان اقتباس کننده را جهت فروش در نظر بگیریم؛ اقدامی فرهنگی و قابل دفاع از سوی ناشر نیست. نه تنها وجاهت قانونی ندارد، بلکه مترادف و جایگاه فرهنگی اجتماعی اثر را خدشه‌دار می‌کند.

معروفی مدیر عامل موسسه انتشارات خوارزمی به بهانه ساخت سریال، چاپ تازه‌ای از کتاب را منتشر کرد که در انتهای آن تصاویری از شخصیت‌های سریال آبیار هم گنجانده شده است. تصاویری از سریالی که هنوز یک قسمت از آن منتشر نشده و جالب اینکه تنها در روز اول نمایشگاه، چاپ جدید کتاب با عکس بازیگران سریال، دو هزار نسخه فروش داشته است. یعنی در هشت روز قبل از جشن امضا که خبری از حضور عوامل سریال نبود، این نسخه مورد استقبال قرار گرفت. بتابراین به نظر می‌رسد که حضور عوامل سریال در غرفه انتشارات خوارزمی، برگزاری جشن امضایی که گفتند کارت پستال است و ارائه کتابی با تصاویر عوامل سریال، استفاده حداکثری از چهره‌هایی است که می‌توانند فروش دو هزار نسخه کتاب را در یک روز به فروش چندین برابر در ماه‌های آینده بدل کنند. ماه‌هایی که سریال به شکل هفتگی در پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی پخش خواهد شد. احتمالاً تضمینی برای فروش رمان هم می‌شود در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر نیت انتشارات احیای دوباره رمانی از دهه چهل بوده، به نظر می‌رسد در همان روزهای ابتدایی این مهم محقق شده است. تصاویر سریال به کمک فروش و اصطلاحاً احیای رمان آمده است. اما برگزاری این جشن امضا در روزهای پایانی نمایشگاه، گمانی فراتر از احیا و جلب مخاطب نمایشگاه‌است.

حضور سلبریتی‌ها و چهره‌های سیتمایی برای کمک به فروش کتاب می‌تواند یکی از راه‌های تبلیغات برای ناشر محسوب شود، اما اینکه آنها در مقام خالق اثر قرار بگیرند و هویت کتاب را به سریالی منتشر نشده گره بزنند؛ حاکی از عدم درک درست جایگاه و شأن رمانی مانند سووشون است که باید به عنوان حاشیه سریالی احتمالاً بر مخاطب نقش فرعی داشته باشد. به نوعی به سریال الصاق شود و در حد یک طغیانی روی زمین مفلده دستش را بگیرد تا او هم از این سفره عریض و طویل سریال، تلی ببرد. تلی به نرخ روز و شاید هم کمی چرب!

آیا انتشارات خوارزمی در طی این سال‌ها به اندازه کافی از نام و اثر سیمین دانشور بهره برده را نبرده است؟ البته که پاسخ مثبت است. اما بر موج سریالی اقتباسی سوار شدن، زیاده‌خواهی و شاید سهم‌خواهی برای اثری است که خالقش در قید حیات نیست. خوارزمی به نادرست در جایگاه صاحب اثر، تصمیم به تنزل جایگاه چنین اثری می‌گیرد. حرکتی که در جریان کلی فرهنگ به نقض خود تبدیل می‌شود. فرهنگ که قرار بود به زندگی و هدف وجودی انسان شکل دهد، به زندگی انسان معتلی فراتر از غریزه و مادیات بخشد. به کالایی بر زرق و برق و رقابتی در عرصه تجارت تبدیل شده که هر کارخانه و کارگاهی با برچسب فرهنگ و با هدف سود و فروش بیشتر به بازار عرضه می‌کند. برچسبی که خوارزمی به «سووشون» زده، مصداق بارز کالایی کردن فرهنگی است که تنزل پیدا کرده است. خود فرهنگ و کالای فرهنگی در ایجاد موضوعیت ندارد، حذف اصلی جذب مشتری و به دست آوردن سود بیشتر است.

نگاهی به ۶ نامزد جایزه بوکر بین‌المللی

برنده جایزه بوکر بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ در حالی فردا (سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت) اعلام می‌شود که شش عنوان کتاب با مضامین گوناگون اجتماعی و فلسفی برای کسب این جایزه‌ادبی رقابت می‌کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، شش اثر تأثیرگذار از کشورهایی چون ژاپن، فرانسه، دانمارک، ایتالیا و هند به فهرست نهایی جایزه بوکر بین‌المللی ۲۰۲۵ راه یافته‌اند. آثاری با مضامینی چون هوش مصنوعی، بحران مهاجرت، روزمرگی، خشونت علیه زنان و آسیب نسل جدید.

در آستانه اعلام برنده بوکر بین‌المللی ۲۰۲۵ در روز ۲۰ می (سه‌شنبه، ۳۰ اردیبهشت)، گمانه‌زنی‌ها درباره برنده نهایی داغ شده است. در زیر نگاهی داریم به شش کتابی که برای این جایزه ادبی رقابت می‌کنند.

تجربه‌ای فلسفی از زندگی در چرخه‌های بی‌پایان

رمان «هر باب محاسبه حجم» اثر نویسنده دانمارکی، سولوی بلاه، با ترجمه باربارا جی. هولند از انتشارات فیبر، تجربه‌ای فلسفی از زندگی در چرخه‌های بی‌پایان است. شخصیت اصلی، تارا ستر، فروشنده کتاب‌های عتیقه، هر روز را در تاریخ ۱۸ نوامبر از نو زندگی می‌کند؛ وضعیتی که یادآور فیلم «روز گرانداهاک» است. این کتاب جلد اول از یک پروژه هفت‌جلدی است و با وجود لحنی سرد، کشف امکانات جهان داستانی‌اش برای مخاطب هیجان‌انگیز است. مخاطب با تارا همسفر می‌شود در تکرار و تأملی بر پرسش‌هایی چون اینکه آیا همه ما در چرخه‌ای بی‌پایان گیر افتاده‌ایم؟

جهان‌های درهم‌تنیده‌واسرار آمیز ژاپنی

«زیر چشم پرنده بزرگ» نوشته هیروکی کاواکامی و ترجمه آسا یوندا تجربه‌ای ساختارشکن از ژاپن است که در آینده‌ای دور می‌گذرد. در جهانی بی‌مرز، انسان‌ها با شبیه‌سازی شده‌اند یا در دنیایی بدون مردان زندگی می‌کنند. کتاب، بافته‌ها مجموعه‌ای از داستان‌ها به‌نظر می‌رسد اما در نهایت به رمانی یکپارچه بدل می‌شود که خواننده باید تکه‌های آن را کنار هم بگذارد. در این روایت مرموز، مفاهیمی چون انقراض انسان‌ها، درگیری‌های اجتماعی و تهدید هوش مصنوعی به‌طور استعاری بررسی می‌شوند.

روایتی مالیخولیایی از دوستی و رنج روانی

آنه سر، نویسنده فرانسوی، با رمان «کلاد یانکی» که توسط مارک هاچینسون ترجمه شده و انتشارات اولی کتنده را جهت فروش در نظر بگیریم؛ اقدامی فرهنگی و قابل دفاع از سوی ناشر نیست. نه تنها وجاهت قانونی ندارد، بلکه مترادف و جایگاه فرهنگی اجتماعی اثر را خدشه‌دار می‌کند.

معروفی مدیر عامل موسسه انتشارات خوارزمی به بهانه ساخت سریال، چاپ تازه‌ای از کتاب را منتشر کرد که در انتهای آن تصاویری از شخصیت‌های سریال آبیار هم گنجانده شده است. تصاویری از سریالی که هنوز یک قسمت از آن منتشر نشده و جالب اینکه تنها در روز اول نمایشگاه، چاپ جدید کتاب با عکس بازیگران سریال، دو هزار نسخه فروش داشته است. یعنی در هشت روز قبل از جشن امضا که خبری از حضور عوامل سریال نبود، این نسخه مورد استقبال قرار گرفت. بتابراین به نظر می‌رسد که حضور عوامل سریال در غرفه انتشارات خوارزمی، برگزاری جشن امضایی که گفتند کارت پستال است و ارائه کتابی با تصاویر عوامل سریال، استفاده حداکثری از چهره‌هایی است که می‌توانند فروش دو هزار نسخه کتاب را در یک روز به فروش چندین برابر در ماه‌های آینده بدل کنند. ماه‌هایی که سریال به شکل هفتگی در پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی پخش خواهد شد. احتمالاً تضمینی برای فروش رمان هم می‌شود در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر نیت انتشارات احیای دوباره رمانی از دهه چهل بوده، به نظر می‌رسد در همان روزهای ابتدایی این مهم محقق شده است. تصاویر سریال به کمک فروش و اصطلاحاً احیای رمان آمده است. اما برگزاری این جشن امضا در روزهای پایانی نمایشگاه، گمانی فراتر از احیا و جلب مخاطب نمایشگاه‌است.

حضور سلبریتی‌ها و چهره‌های سیتمایی برای کمک به فروش کتاب می‌تواند یکی از راه‌های تبلیغات برای ناشر محسوب شود، اما اینکه آنها در مقام خالق اثر قرار بگیرند و هویت کتاب را به سریالی منتشر نشده گره بزنند؛ حاکی از عدم درک درست جایگاه و شأن رمانی مانند سووشون است که باید به عنوان حاشیه سریالی احتمالاً بر مخاطب نقش فرعی داشته باشد. به نوعی به سریال الصاق شود و در حد یک طغیانی روی زمین مفلده دستش را بگیرد تا او هم از این سفره عریض و طویل سریال، تلی ببرد. تلی به نرخ روز و شاید هم کمی چرب!

آیا انتشارات خوارزمی در طی این سال‌ها به اندازه کافی از نام و اثر سیمین دانشور بهره برده را نبرده است؟ البته که پاسخ مثبت است. اما بر موج سریالی اقتباسی سوار شدن، زیاده‌خواهی و شاید سهم‌خواهی برای اثری است که خالقش در قید حیات نیست. خوارزمی به نادرست در جایگاه صاحب اثر، تصمیم به تنزل جایگاه چنین اثری می‌گیرد. حرکتی که در جریان کلی فرهنگ به نقض خود تبدیل می‌شود. فرهنگ که قرار بود به زندگی و هدف وجودی انسان شکل دهد، به زندگی انسان معتلی فراتر از غریزه و مادیات بخشد. به کالایی بر زرق و برق و رقابتی در عرصه تجارت تبدیل شده که هر کارخانه و کارگاهی با برچسب فرهنگ و با هدف سود و فروش بیشتر به بازار عرضه می‌کند. برچسبی که خوارزمی به «سووشون» زده، مصداق بارز کالایی کردن فرهنگی است که تنزل پیدا کرده است. خود فرهنگ و کالای فرهنگی در ایجاد موضوعیت ندارد، حذف اصلی جذب مشتری و به دست آوردن سود بیشتر است.

نمایشگاه چه خبر

نمایشگاه کتاب تا اول خرداد فعال است

بخش پیوست سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که از یکشنبه (۲۸ اردیبهشت) در سامانه بازار کتاب آغاز شده تا یکم خرداد (۱۴۰۴) به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، بخش پیوست سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از روز یکشنبه، ۲۸ اردیبهشت آغاز به کار کرده است. این بخش به فروش ویژه کتابفروشی‌ها اختصاص دارد و علاقه‌مندان می‌توانند به هر دو صورت حضوری و مجازی از کتابفروشی‌های عضو سامانه بازار کتاب متابع مورد نظر خود را با ۲۰ درصد تخفیف یارانه کتاب تا خرید دو میلیون تومان برای هر کد ملی، تهیه کنند.

در روز نخست طرح فروش پیوست، ۱۱۶۸۰۲۴۲۹۶۸ میلیارد ریال کتاب توسط ۱۶۰۹ نفر خریداری شد. برای این طرح ۴۰۵ کتابفروشی ثبت‌نام کردند و در روز نخست ۱۹۸ کتابفروشی توانستند محصولات خود را به فروش برسانند.

علاقه‌مندان برای حضور در پیوست سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تا پایان روز پنجشنبه (اول خرداد ۱۴۰۴) فرصت دارند تا به سامانه https://bazarketab.ir مراجعه کرده و به تهیه متابع مورد نظر خود با ۲۰ درصد تخفیف یارانه کتاب بپردازند.

سینمای ایران

«در آغوش درخت» راهی اکران آنلاین شد

فیلم سیمیایی «در آغوش درخت» ساخته بلک خواجه‌پاشا و نماینده رسمی ایران در اسکار ۲۰۲۵ راهی اکران آنلاین شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی فیلم، اکران آنلاین فیلم سیمیایی «در آغوش درخت» به کارگردانی بلک لطفی خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی مجاد نصرالهی‌نسب و محمدرضا مصباح پس از اکران در سیمعاهای سراسر کشور، از سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ساعت ۲۰ در پلتفرم فیلیمت اکران آنلاین خود را آغاز می‌کند.

این فیلم نامزد ۸ سیمرغ و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی اول از چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر و برنده ۶ جایزه بین‌المللی شد و در تابستان ۱۴۰۳ در سیمعاهای سراسر کشور به اکران درآمد.

مارال بنی‌آدم، جواد قاسمی، روح‌الله زمانی، اعورا الطفی و رایان لطفی گروه بازیگران این فیلم را تشکیل می‌دهند.

«در آغوش درخت» محصول مشترک سازمان سیمیایی سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که با روایتی شاعرانه، آخرین تلاش‌های یک خانواده در آستانه فروپاشی را به تصویر می‌کشد.

سینمای جهان

سنگ تمام شان پن برای جنیفر لارنس: آخرین ستاره سینماست!

شان پن گفت احتمالاً جنیفر لارنس آخرین ستاره سیتماست و بازیگری با وی تمام شده. تمام کروز هم بهترین بدلکار دنیاست اما وی هنوز فیلمی از تیموتی شالامه را تماشا نکرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ورایتی، شان پن در مصاحبه با «پادکست لویی تروکس» از جنیفر لارنس به عنوان آخرین ستاره سیتماها یاد کرد. پن و مجری این پادکست در این گفتگو درباره چهره‌ها بحثمی کردند.

پن درباره ستاره شدن در سیتما گفت: فکرمی کنم ستاره‌های سیتما با جنیفر لارنس تمام شدند! واحتمالاً آخرین ستاره سیتماست.

وی همچنین از تام کروز یاد کرد. کروز که این روزها با «ماموریت: غیرممکن - رزشمار نهایی» حسابی مطرح است، از نظر پن بازیگری درجه یک است و باید وی را به عنوان «مردی که در سطح بسیار بالایی به دنبال تعالی است» تحسین کرد.

پن درباره کروز گفت: از برخی از فیلم‌ها مردم بیشتر قدردانی می‌کنند ـ اما او بازیگری بسیار خوبی و همچنین یک هنرمند فوق‌العاده است. آن فیلم‌ها بدون حضور یک فرد خلق‌العاده، در آن سطح ساخته نمی‌شوند. او حلقه مشترک بسیاری از آنهاست. این تصادفی نیست. او بدلکاری‌های خودش را انجام می‌دهد و احتمالاً بهترین بدلکار دنیای سیتماست. او باتجربه‌ترین فرد است.

پن همچنین گفت: من بازی‌هایی از برخی بازیگران جوان می‌بینم که احساس می‌کنم باید کار را ول کنم و بروم حسابدار بشوم، چون آنها خیلی خوب هستند.

وقتی مجری از پن سوال کرد که آیا متظورش تیموتی شالامه است؟ پن گفت بازی شالامه در نقش باب دیلن در فیلم «کاملاً ناشناخته» را که سال پیش نامزد اسکار شد ندیده و قزود: هنوز فیلم‌های او را ندیده‌ام.

جنیفر لارنس و تام کروز این روزها با فیلم‌های جدید خود در جشنواره فیلم کن حضور دارند. کروز برای نمایش و معرفی جدیدترین و آخرین دنیالـه «ماموریت: غیرممکن» در کن بود و لارنس هم با فیلم «عشق من بمب» ساخته لین رمزی و با همکازی در این فیلم رابرت پتینسون این حرام روشانخاتی را دیروز در جشنواره کن معرفی کرد.

اینکه آیا هنوز ستاره‌های سیتما در هالیوود هستند یا خیر، موضوع بحث و جدلی پایان‌ناپذیر است. برخی از کارگردان‌های مطرح مانند کوئنتین تارانتینو باور دارند فیلم‌های مارولی به مرگ ستاره‌های سیتما کمک کرده و بازیگرانی مانند کریس ایوئز بیشتر با شخصیت‌های ابرقهرمانی خود ارتباط دارند تا این که ستاره سیتما باشند. بازیگری مانند هریسون فورد با این نظر مخالف است و سال پیش در یک گفتگو نظریه مرگ ستاره‌های سیتمای هالیوود را مزخرف خواند و گفت: هر روز بازیگران فوق‌العاده‌ای ظهور می‌کنند. این که آنها ستاره شوند یا نه مسئله نیست. اگر فیلم‌ها به ستاره نیاز داشته باشند، خودشان آنها را پیدا می‌کنند. من هیچوقت معنی ستاره سیتما بودن را نفهمیده‌ام. من بازیگرم. من دستیار قصه‌گو هستم همین.

ادبیات هند در قالب داستان کوتاه

مجموعه داستان «چراغ دل» اثر نویسنده بلشویک هندی بانو مشتاق، با ترجمه دبیا بهاتنی، منتخبی از آثار ۳۵ ساله اوست. این نویسنده که به سنت ادبیات اعتراضی هند وابسته است، با تمرکز بر زندگی زنان، داستان‌هایی ارائه کرده که از خشونت خانگی تا تجاوزهای فرهنگی را به نقد می‌کشد. در داستانی، مادری تازه‌فرزندآورده شده با همسری خیانت‌کار و بی‌ادب دست‌وپنجه نرم می‌کند که به او می‌گوید: «تو شبیه مادرم هستی.» و همین جمله، جهنمی زنده را برای زن رقم می‌زند. این مجموعه، داستان به رنج زنان در جامعه پرداخته است.

روایتی مدرن از نسل گمشده در ایتالیا

در رمان «کمال» نوشته پیتجت لاتورنیکو با ترجمه سولی هیوز، زوجی جوان به نام آنا و تام در دنیای مدرن با بحران محنا و رضایت از زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در این کتاب، مخاطب با جهانی از مجلات و صفحات اینستاگرام مواجه است که در آن نسل جدید سعی می‌کند رضایتی سطحی را به محنای واقعی زندگی بدل کند. طنز ظریف و نگاه دقیق لاتورنیکو به اضطراب‌های مدرن، «کمال» را به یکی از امیدهای اصلی جایزه امسال بدل کرده است.